

درس ۱۵ تاریخ دهم

زبان و آموزش

خط، زبان، علم و آموزش؛ ستون های استوار تمدن، محسوب می شوند و نقش مهمی در انتقال میراث فرهنگی و تمدنی یک جامعه به نسل های بعدی و ملت های دیگر دارند.

زبان

عدم اطلاعات مکتوب، درباره زبان ساکنان اولیه ایران پیش از مهاجرت اقوام آریایی، به جز ایلامیان، **زبان ایلامی**: زبان مردمان جنوب غربی فلات ایران، زبان رسمی و نوشتاری حکومت و تمدن ایلام، رواج این زبان تا مدتی پس از ورود آریاییان، و استفاده از زبان ایلامی به عنوان زبان دوم نوشتاری در دوران هخامنشی.

نمونه وجود زبان ایلامی در حکومت هخامنشی: ترجمه ایلامی نوشته ها در برخی از سنگ نوشته های دوره هخامنشیان. علاوه بر آن، نگارش تقریباً تمامی هزاران لوح گلی کشف شده از تخت جمشید، به خط و زبان ایلامی.

تحول زبان پس از استقرار تدریجی آریایی ها در ایران: رواج زبان ها و گویش های گوناگونی با شباهت های بسیاری به یکدیگر و معرفی آن توسط زبان شناسان به "زبانهای ایرانی" محسوب شدن زبان های ایرانی به عنوان شاخه ای از گروه زبان های «هند و ایرانی» و تکلم اقوام هندی و ایرانی، پیش از جدا شدن از یکدیگر و سکونت در هند و ایران، با آن محسوب شدن زبان هند و ایرانی از شاخه بزرگتر هند و اروپایی تغییر و تحول زبان های ایرانی در طول تاریخ

در ایران باستان، ترجیح نقل شفاهی داستان ها و تعالیم دینی، وادبی بر کتابت و نوشتن

تقسیم بندی مراحل تغییر و تحول زبان های ایرانی از آغاز تا کنون توسط زبان شناسان: تقسیم به سه دوره
زبان های کهن، میانه و نو.

زبان های کهن ایرانی: از قدیمی ترین زمان تا پایان هخامنشیان. رواج آن در مناطق مختلف فلات ایران.

اشاره مآخذ باستانی به تعدادی از این زبان ها و باقی ماندن آثار مکتوب تنها از دو زبان فارسی باستان و

اوستایی

فارسی باستان؛ نیای زبان فارسی امروزی زبان قوم پارس و سخن گفتن به آن در دوره هخامنشی

مهم ترین مدارک برجای مانده از زبان فارسی باستان: سنگ نوشته های پادشاهان هخامنشی نوشته شده
به خط میخی

زبان اوستایی: سخن گفتن به این زبان توسط مردمان بخشی از نواحی شرقی ایران؛ نیز نگارش کتاب دینی

زرتشتیان، اوستا، به آن زبان، باقی نماندن اثری از این زبان جز کتاب اوستا و آثار وابسته به آن

اشاره مورخان یونانی به داستان های حماسی و عاشقانه مادی و نیز برخی اشعار آن دوره و نقل آن به
صورت شفاهی. براساس گزارش های همین مورخان؛ وجود قصه های متعددی به زبان فارسی باستان در
زمان هخامنشیان، و خواندن آن توسط مردم از حفظ، مهمترین نمونه آن داستان «هزار افسان»؛ شکل
گیری داستان هزار و یک شب بر اساس آن

ادبیات دوره اشکانی: عدم وجود هیچ نوشته ادبی به زبان و خط پارتی از دوره اشکانی؛ اما وجود شواهد
بسیاری دال بر وجود ادبیات شفاهی پرباری در آن دوره

رواج نقل داستان های ملی و پهلوانی در زمان حکومت اشکانی، و نقل این داستان ها با شور و هیجان بسیار
از حفظ برای مردم توسط شاعران و موسیقی دانان دوره گردی معروف به گوسان ها،

پیامد ترجیح نقل شفاهی: معمول نبودن نوشتن متن های ادبی و دینی، و تنها کتابت اسناد مربوط به

سیاست و تا حدودی اقتصاد

نقش گوسان ها در پیشرفت فرهنگی دوران اشکانی: نقل داستان های ملی و پهلوانی عصر اشکانی توسط ایشان، در نتیجه انتقال این داستان های ملی و پهلوانی سینه به سینه به نسل های بعدی توسط این گوسان ها اهمیت این داستانها: استفاده از این داستان ها، بعدها در تدوین خدای نامه ها و سرودن شاهنامه توسط فردوسی

ادامه سنت نقالی و قصه گویی حتی پس از تدوین خدای نامه و شاهنامه، همچنان در ایران تا دوران معاصر.

به نظر برخی از زبان شناسان: سروده شدن منظومه های داستانی «یادگار زیران» و «درخت آسوریک» به خط و زبان پهلوی ساسانی، متعلق به قرن ۵ م. ابتدا به زبان پارتی و حتی داشتن ریشه اشکانی برخی داستان های شاهنامه مانند داستان "بیژن و منیژه" وجود آثار بیشتری به خط و زبان فارسی میانه، پهلوی ساسانی؛ در موضوع های ادبی، دینی، پند و اندرز، حقوق، تاریخ و جغرافیا از دوران ساسانیان، و اغلب به نثر

علمدار دبیر تاریخ طبس

آموزش

عدم آگاهی مادر باره وضعیت تعلیم و تربیت در دوران پیش از ساسانیان.

اطلاعات آموزش در دوره هخامنشی: براساس گزارش و آگاهی های پراکنده در آثار نویسندگان یونانی معاصر با هخامنشیان، و اطلاع بیشتر از شیوه تعلیم و تربیت فرزندان خاندان شاهی و درباریان

اطلاعات آموزش در عصر ساسانی: به دلیل باقی ماندن آثار و منابع مکتوب متعدد، وجود اطلاعات قابل توجهی درباره وضعیت و شرایط تعلیم و تربیت از دوره ساسانیان

اهمیت علم در دنیای باستان: توجه ایرانیان باستان به تعلیم و تربیت و پرورش فرزندان دانا، پرهیزگار، دلیر، بردبار، فرمانبر و سخت کوش. نیز تأکید آیین و فرهنگ ایرانی، براهمیت تربیت و ارزش دانایی و

خردورزی

آموزش و پرورش در ایران باستان: دارای ابعاد گسترده و شامل تربیت جسمانی، اخلاقی، اجتماعی، دینی، شغلی و حرفه ای.

انجام تعلیم و تربیت در چندین مرحله

مراحل تعلیم و تربیت در ایران باستان: پرورش کودکان تا پنج یا هفت سالگی در درون خانواده، و نقش مهم مادران، در آشنایی فرزندان خود با آداب و رسوم خانوادگی، اجتماعی، دینی و میهنی و آموختن راه و رسم پسندیده زندگی به آنان. انجام مراحل بعدی آموزش و پرورش اغلب در خارج از خانه و در مدرسه و یا آموزشگاه

وضعیت علم آموزی در عصر ساسانی: توافق بسیاری از محققان، در امکان رفتن به مدرسه و تحصیل تنها برای فرزندان خاندان شاهی، درباریان، اشراف و موبدان در عهد باستان و مخصوصاً در زمان ساسانیان؛ اما عدم امکان تحصیل در مدارس و آموزشگاه های آن دوره برای فرزندان توده مردم از قبیل کشاورزان، پیشه وران و صنعتگران .

آموزش برای فرزندان توده ی مردم در عصر ساسانی: آموختن حرفه پدران به طور معمول برای این فرزندان . وجود شواهدی در تلاش برخی از گروه های اجتماعی مانند پیشه وران و بازرگانان در ایران باستان، مخصوصاً در دوره ساسانیان، برای گرفتن اجازه تحصیل فرزندان شان در مدرسه .

بنا به نوشته کریستن سن، نویسنده کتاب «ایران در زمان ساسانیان»: داشتن سواد خواندن، نوشتن و حساب برای بسیاری از بازرگانان شهرها،

آموزش در عصر ساسانی: وجود امکان آموزش و رفتن به مدرسه برای طبقات اشراف و بزرگان؛ اما برخورداری از سواد برای بازرگانان شهری این دوره.

همگانی بودن قسمتی از برنامه های آموزشی و مواد درسی مدارس و آموزشگاه ها از قبیل آموختن اصول دین زرتشتی، فراگیری آداب و رسوم دینی و میهنی و مختصری خواندن و نوشتن برای همه علاوه بر آن، وجود آموزش های ویژه ای برای گروه های مختلف؛ مثلاً فراگیری دانش های سیاسی، کشورداری، فنون رزمی و گاهی زبان های خارجی توسط **شاهزادگان و فرزندان صاحب منصبان سیاسی و نظامی**؛ آموزش تعلیمات دینی و اوستایی به **فرزندان موبدان**، و آموزش خط، زبان، ادبیات و حساب به **فرزندان دبیران**.

شغل آموزگاری در عصر ساسانی: در دوران ساسانی، اختصاص **آموزگاری** به عنوان یک شغل رسمی به **موبدان** و تسلط آنان بر معارف دین زرتشتی، ادبیات پهلوی و برخی دیگر از علوم زمان خود. حتی **اداره آموزشگاه ها و مدارس**، در اختیار **موبدان**.

با این حال، فراگیری انواع ورزش ها از جمله سوارکاری کودکان و جوانان خاندان شاهی و صاحب منصبان حکومتی زیر نظر مربیان،

علوم و مراکز آموزش عالی: عدم وجود فیلسوفان و دانشمندان مشهوری همچون افلاطون، ارسطو و بقراط در ایران باستان، اما قرار داشتن دانش و فرهنگ ایرانیان از سطح بالا بر اساس مندرجات اوستا، شاهنامه، کتیبه ها و گزارش های تاریخ نویسان یونانی و رومی

دانش در کتاب اوستا: وجود مطالب گوناگونی درباره ارزش دانش و بزرگداشت دانشمندان در کتاب اوستا در این کتاب، اختصاص فصلی به دانش، و مطرح شدن مطالبی درباره پزشکی، ستاره شناسی، حکمت، امور اجتماعی و حقوقی و علوم طبیعی در آن

دوران هخامنشیان: مرکز دانش ها و مبادلات فرهنگی بین کشورهای متمدن زمان و آمیزش علوم و فنون بین النهرین، مصر، ایلام، هند و آسیای صغیر که جزو قلمرو این شاهنشاهی بودند، با دانش های ایرانی

پیشتیانی جدی دانش و هنر توسط خاندان هخامنشی بر اساس مندرجات کتیبه ها و پاره ای از گزارش های مورخان یونانی،

دوره ساسانی: پیشرفت بیشتر علمی و فرهنگی ایران در دوره ساسانی نسبت به دوره های قبل
علاقه شهرياران ساسانی به نشر علوم و بزرگداشت دانشمندان و رفاه حال آنان .

علاقه ایرانیان به استفاده از دانش و دستاوردهای علمی مردم دیگر سرزمین ها پیامد این علاقه:
گسترش مبادلات فرهنگی با هند و روم در زمان فرمانروایی خسرو انوشیروان، و در نتیجه آن ،

ایجاد جنبش علمی نیرومندی در ایران

نقش انوشیروان در گسترش علم در عصر ساسانی: علاقه وی به تبادلات علمی و در نتیجه ایجاد نهضت علمی در زمان وی. علاقه فراوان انوشیروان به مباحث فلسفی و دینی. در نتیجه پناه دادن به تعدادی از فیلسوفان یونانی پناهنده به ایران بر اثر تنگ نظری امپراتور روم، و مناظره علمی با آنان.

دانشگاه جندی شاپور

یکی از برجسته ترین مراکز علمی جهان باستان، دانشگاهی ساخته شده در عصر ساسانی در شهر جندی

شاپور قرارداشتن این شهر در حوالی دزفول کنونی، در استان خوزستان

تدریس دانش های مختلفی: مانند پزشکی، فلسفه، نجوم و الهیات در این دانشگاه، اما رونق و پیشرفت

پزشکی بیش از سایر رشته ها و اشتغال پزشکانی از ایران، هندو یونان در آنجا

مهم ترین ویژگی دانشگاه جندی شاپور: وجود بیمارستانی در این دانشگاه همچون دانشگاه های امروزی؛
و آموزش عملی و آشنایی دانشجویان با درمان بیماران در کنار آموزش های نظری، ادامه فعالیت دانشگاه

جندی شاپور تا قرون نخستین اسلامی

علمدار دبیر تاریخ طبس